

استعمال غلط واژه‌های خارجی در زبان فارسی



سالها است که در جرائد و محافل مختلف موضوع بیکار بردن واژه‌های خارجی در زبان فارسی مورد بحث قرار گرفته و خطراتیکه از ادامه این روش متوجه ادب و فرهنگ ایران میشود خاطر نشان میگردد. متأسفانه تاکنون این انتقادات به نتیجه نرسیده است و هر روز لغات خارجی تازه‌ای بزبان فارسی راه می‌یابند بطوریکه امروز کمتر روزنامه ایرا میتوان یافت که در هرستون آن چندین واژه بیگانه بکار برده نشده باشد اخبار خارجی و داخلی، اعلانات و حتی جدول کلمات متقاطع روزنامه‌ها و مجلات مملو از لغات خارجی است. افراط در استعمال کلمات بیگانه بجائی رسیده است که فیلم‌های سینمایی فارسی را با واژه‌های خارجی نامگذاری میکنند که نمونه آن فیلمی است که چندی قبل تحت عنوان «یک چمدان سکس» بیازار آمده و اعلان آن در جرائد منتشر شد. رادیو و تلویزیون نیز به نوبه خود به ترویج لغات بیگانه کمک میکنند برای اثبات

این مدعا میتوان برنامه‌ایرا که تحت عنوان «تلاش» هر هفته در تلویزیون اجرا میشود شاهد مثال آورد در این برنامه که بصورت مسابقه اجرا میگردد چندین داوطلب شرکت میجویند که معمولاً یکی از آنها در یکی از رشته‌های ورزشی و بقیه در زمینه‌های ادبی، هنری، تاریخی و امثال آن مسابقه میدهند حال وارد این بحث که آیا برگزاری مسابقه بین رشته ورزشی که بانبروی بدنی ارتباط دارد و رشته‌های ادبی و هنری که با استعدادهای فکری مرتبط میباشد صحیح است یا خیر نمیشویم و نیز باینکه چرا در مسابقه تلاش بین شرکت کنندگان تبعیض قائل میشوند و مثلاً بدوطلبان مسابقه در رشته‌های ادبی و هنری چنانچه در پاسخ‌های خود دچار اشتباه گزیدند نمره منفی میدهند و از امتیازات آنها میکاهند ولی این روش را در مورد شرکت کنندة در مسابقه ورزشی رعایت نمی کنند، کاری نداریم منظور ما در اینجا فقط انتقادات از زیاده روی مجری برنامه در بکار بردن واژه‌های خارجی میباشد. در یکی از برنامه‌های چند هفته قبل «تلاش» شرکت کنندة در رشته ورزشی بازی «بولینگ» را انتخاب کرده بود مجری برنامه که ظاهراً برای اینکه خود را ورزشکار نشان دهد لباس ورزش پوشیده بود در موقع تشریح قواعد بازی بولینگ و تفسیر عملیاتیکه داوطلبان بازی انجام میدادند تماماً واژه‌های بیگانه از قبیل «فریم» - «استرایک» «پین» - «اسپر» و امثال آن بزبان می‌آورد در صورتیکه اگر بجای این لغات بیگانه معادل‌های فارسی مثلاً بجای «فریم» چهارچوب و بجای «استرایک» ضربه بکار برده بود بینندگان این برنامه مطالب و توضیحات او را بهتر درک میکردند. عجب‌تر آنکه مجری برنامه مذکور شماره امتیازات را با اعداد لاتین یادداشت میکرد و شگفت‌انگیزتر آنکه نام مسابقه دهنده (کامبیز کامرانی) با حروف لاتین بر پشت پیراهنش نوشته شده بود. وقتی انسان این گونه مسابقات را میبیند از خود می پرسد که آیا این برنامه‌ها برای تماشاگران ایرانی اجرا میشود یا برای بیگانگان. بفرض اینکه یافتن معادل فارسی برای اصطلاحات ورزشی مشکل باشد دیگر ثبت تعداد امتیازات به اعداد لاتین و یانوشتن اسم مسابقه دهنده بحروف خارجی چه محملی میتواند داشته باشد؟

حقیقت امر آن است که مجریان این نوع برنامه‌ها می‌خواهند با استعمال لغات بیگانه خود را متخصص در رشته ورزشی و یاد رشته‌های دیگری که برنامه‌های مربوط بانها را اجرا میکنند قلمداد نمایند.

البته این روحیه اختصاص به کارکنان تلویزیون ندارد بلکه در مورد کارکنان مطبوعات و نیز کارمندان دستگاه های دولتی مصداق پیدا میکند مثلاً ارباب مطبوعات غالباً خبرنگاران خود را «رپرتر»، مطالبی را که درج میکنند «رپرتاژ» و موضوعاتیرا که برای نوشتن انتخاب می‌نمایند «سوزه» و تعداد نسخی را که چاپ میکنند «تیراژ» می‌خوانند.

آری مخیر روزنامه تصور میکند که اگر عنوان «رپرتر» را بخود بنهد حیثیت بیشتری پیدا خواهد کرد هم چنین خانم ماشین نویس فلان اداره خود را «تایپیست» و منشی فلان مؤسسه خویش را «سکرتتر» معرفی میکند و باستناد همین عناوین خارجی حقوق و مزایای بیشتری مطالبه می‌نمایند.

ساحبان مشاغل آزاد نیز بکار بردن واژه‌های بیگانه را و سیله اجحاف و گرانفروشی و اغفال مشتریان خود قرار میدهند مثلاً عده‌ای از مغازه‌داران مؤسسات خود را «مزون» یا «بوتیک» نام گذاری می‌نمایند و سعی میکنند با تکیه بر این واژه‌های خارجی اجناس بنجل خود را به قیمت‌های گران به مشتریان خوش باور بفروش برسانند. هم چنین بعضی از خواروبار فروشها مغازه خود را «سوپر مارکت» می‌نامند و این واژه را وسیله گرانفروشی و اجحاف قرار میدهند.

خلاصه کلام آنکه کلیه طبقات جامعه به نحوی به راه یافتن واژه‌های خارجی در زبان فارسی کمک میکنند و متأسفانه وسائل ارتباط جمعی یعنی مطبوعات رادیو و تلویزیون که قاعدتاً می‌بایستی باین خطر که اصالت زبان فارسی را تهدید میکند بمبارزه برخیزند خود بیش از هر دستگاه دیگری در بکار بردن واژه‌های بیگانه افراط می‌ورزند. مثلاً تلویزیون ملی ایران با آنکه عنوان ملی دارد قسمت اعظم برنامه‌های خود را بنمایش فیلمهای دوبله شده خارجی اختصاص میدهد و گذشته از این برای برنامه‌های فارسی خود عناوین خارجی

از قبیل «شو» (نمایش) و «واربته» (بمعنی گوناگون و یا رنگارنگ) انتخاب میکنند و نیز بطوریکه قبلاً اشاره شد در برنامه‌های هنری و ورزشی خود در بکار بردن واژه‌های خارجی افراط می‌ورزد کسانیکه برنامه‌های ورزشی تلویزیون را تماشا میکنند غالباً واژه‌هایی نظیر اصطلاحات زیر بگوششان می‌خورد: تیم فوتبالی - بازیهای فینال - روند اول بوکس - ست دوم بازی تنیس - پیست اسکلی - گیم والی بال ... و امثال آن. آیا نمیتوان برای اصطلاحات فوق واژه‌های فارسی بکار برد و فی المثل گفت: «دسته فوتبال - بازیهای نهائی» - دور اول مشت‌زنی - دست دوم بازی تنیس - میدان اسکلی - بازی والی بال.

بفرض اینکه ترجمه پاره‌ای از واژه‌های علمی، فنی و هنری مشکل باشد آیا سازمان عریض و طویل تلویزیون ملی ایران که هر روز تأسیسات خود را گسترش میدهد و خبرنگار بخارج اعزام میدارد و مدرسه عالی رادیو و تلویزیون تأسیس میکنند وظیفه ندارد قدمی هم در راه پیدا کردن معادل‌های فارسی جهت واژه‌های بیگانه بردارد؟ آیا در همان مدرسه عالی رادیو و تلویزیون نمیتوان کلاسی جهت ترجمه لغات خارجی مورد استعمال رادیو و تلویزیون دائر کرد؟

باری از مطلب دور افتادیم. منظور اصلی ما بحث درباره بکار بردن غلط واژه‌های خارجی در زبان فارسی میباشد اغلب کسانیکه اصطلاحات خارجی را در زبان فارسی استعمال میکنند دانسته یا ندانسته آنها را بفلط یعنی به مفهومی غیر از آنچه در زبان اصلی دارند بکار می‌برند. در اینجا بذکر چند نمونه از این گونه اشتباهات می‌پردازیم.

یکی از کلماتیکه از زبان فرانسه اقتباس شده و به غلط در فارسی بکار برده میشود واژه «مزون» است. این کلمه اگر در فرانسه به تنهایی استعمال شود معنای خانه را میدهد و بهیچوجه مفهومی را که در ایران از آن استنباط میشود یعنی محل دوخت و یا فروش لباسهای گران قیمت را نمیرساند. البته در فرانسه کلمه «مزون» برای ساختن واژه‌های دیگری با سایر کلمات ترکیب میگردد مثلاً با واژه «کومرس» به معنی تجارت ترکیب

گردیده و اصطلاح «مزون دو کومرس» را که تجارتخانه باشد بوجود می آورد و یا با کلمه «کوتور» به معنی خیاطی ترکیب شده و واژه «مزون دو کوتور» را میسازد که به معنی خیاط خانه یعنی همان مفهومی است که در ایران از کلمه «مزون» به تنهایی استنباط میشود، بنابراین بکار بردن لغت «مزون» به تنهایی و بدون مضاف بمعنی خیاط خانه لوکس اشتباه است و صحیح آن «مزون دو کوتور» می باشد.

واژه خارجی دیگری که در زبان فارسی متداول گردیده و اغلب بملط بکار برده میشود کلمه «کافتریا» است. این واژه يك کلمه مفرد است یعنی برخلاف آنچه در ایران تصور میشود از دو کلمه «کافه» و «تریا» ترکیب نگردیده است «کافتریا» يك کلمه اسپانیولی است و مشابه کلمه فرانسه «کافیتیر» (Cafetiere) است و معنی آن قهوه دان و یا قهوه جوش می باشد منتهی اهالی امریکای شمالی این کلمه را از امریکای جنوبی اسپانیولی زبان اقتباس نموده و به رستورانهاییکه فاقد پیشخدمت میباشد و مشتریان آنها غذاهای خود را شخصاً از پیش خوان برداشته و صرف میکنند اطلاق نمودند. در حقیقت «کافتریا» نام دیگری است برای رستورانهای «سلف سرویس».

بهر حال بطوریکه اشاره شد کلمه مذکور يك واژه مفرد است نه مرکب ولی در ایران عده ای از پیشه‌وران بتصور اینکه این کلمه از دو لغت «کافه» و «تریا» ترکیب گردیده است برای مؤسسات خود نامهای عجیب و غریبی از قبیل رستوران تریا - هتل تریا و یا حتی «تریا» به تنهایی انتخاب نموده اند غافل از آنکه اصولاً کلمه «تریا» به تنهایی در زبانهای خارجی مفهومی ندارد و در هیچ قاموسی پیدا نمیشود و آنهاستیکه بکشورهای خارج مسافرت کرده اند در هیچ جاموسه‌را بنام «تریا» - «هتل تریا» و یا «رستوران تریا» مشاهده نکرده اند. یکی دیگر از کلماتیکه بملط در فارسی بکار برده میشود لغت «لیسانس» است. لیسانس که از زبان فرانسه گرفته شده به معنی اجازه «جواز» پروانه و امثال آن می باشد و نیز به یکی از درجات تحصیلی دانشگاهی اطلاق میشود که آنهم باهمان معنی اصلی یعنی اجازه و جواز ارتباط دارد زیرا دارنده

درجه لیسانس در حقیقت اجزای پیدا میکند که از مزایای خاصی برخوردار گردد. مثلاً دارنده درجه لیسانس حقوق میتواند به شغل و کالت دادگستری به پردازد بهر حال کلمه لیسانس از لحاظ دستور زبان اسم است نه صفت و حال آنکه در ایران غالباً این کلمه را بصورت صفت بکار می‌برند و مثلاً میگویند فلان جوان لیسانس است و حال آنکه در این مورد واژه «لیسانسیه» را باید بکار برد کلمه «دیپلم» نیز گاهی در زبان فارسی بلفظ به معنای دارنده مدرک تحصیلات متوسطه بکار برده میشود مثلاً فلان اداره اعلان میکند که کسانی که داوطلب استخدام در آن اداره هستند باید «دیپلم» باشند استعمال لغت دیپلم به مفهوم دارنده مدرک تحصیلات متوسطه از دو لحاظ غلط است و ضرب المثل مشهور «حسن و حسین» را بخاطر می‌آورد زیرا اولاً لغت دیپلم تنها به معنای مدرک تحصیلات متوسطه نیست بلکه بکلمه مدارک تحصیلی اعم از متوسطه و عالی اطلاق میشود. ثانیاً کلمه «دیپلم» از لحاظ دستور زبان اسم است و صفت آن «دیپلمه» است.

کلمه «پانسیون» نیز از واژه‌هایی است که گاه بلفظ در زبان فارسی بکار برده میشود این واژه که از زبان فرانسه اقتباس شده معانی متعددی دارد که یکی از آنها مستوری یا حقوق بازنشستگی و دیگری برخوردار شدن از مسکن و غذا بطور مستمر میباشد که البته این مفهوم با معنای اصلی که مستوری باشد بی ارتباط نیست بعلاوه کلمه «پانسیون» به مؤسسه‌ای که غذا و مسکن مورد نیاز مشتریان را درازای دریافت مبلغ معینی در اختیار آنها میگذارد نیز اطلاق میشود. بهر حال این کلمه از لحاظ دستور زبان اسم است ولی در ایران گاهی آن را به غلط بجای صفت بکار می‌برند مثلاً کسی که میخواهد دانشجویی را در منزل خود پذیرفته و در مقابل دریافت مبلغ ماهیانه‌ای، مسکن و خوراک او را تأمین کند در جراند اعلان میکند: «پانسیون می‌پذیریم» بدیهی است بکار بردن پانسیون باین مفهوم غلط است و صحیح آن «پانسیونر» یعنی شخصی که از پانسیون استفاده میکند می‌باشد.

نمونه دیگری از لغات خارجی که بلفظ در زبان فارسی بکار برده

میشوند کلمه «آبونمان» است. این کلمه از لحاظ دستور زبان اسم است و به معنای اشتراك و نیز حق اشتراك می‌باشد. ولی در زبان فارسی اغلب آن را بقلط بصورت صفت استعمال میکنند و مثلاً میگویند: «من فلان روزنامه را آبونمان هستم بدیهی است واژه صحیح خارجی در این مورد لغت «آبونه» است نه آبونمان بنابراین باید گفت «من فلان روزنامه را آبونه هستم».

واژه‌های خارجی مربوط به رشته پزشکی نیز غالباً بطور غلط در زبان فارسی استعمال میشوند مثلاً میگویند «فلانکس پانندیس دارد». «پانندیس در زبان فرانسه به معنی قسمت زائد و اضافی میباشد و نیز به زائده روده که نزد تمام افراد وجود دارد اطلاق میشود و بنابراین تمام افراد حتی اشخاص سالم پانندیس دارند. آنچه ایجاد بیماری میکند تورم پانندیس است که «پانندیسیت» نامیده میشود بنابراین در مورد کسیکه دچار این بیماری میشود باید گفت «فلانکس پانندیسیت دارد».

غرب زدگان نه تنها واژه‌های خارجی را بقلط در زبان فارسی بکار می‌برند و با اصطلاح معروف از هول حلیم به دیگر می‌افتند بلکه گاهی خود نیز از کلمات خارجی واژه‌های جدیدی می‌سازند که در هیچیک از قاموسهای زبانهای بیگانه یافت نمیشوند. یکی از این کلمات من در آوردی واژه «بسکت بالیست» است که به معنای بازی کفنده بسکت بال بکار برده میشود. بطوریکه همه میدانند بسکت بال یک واژه انگلیسی است که از کلمات «بسکت» بمعنی سبد و «بال» بمعنی توپ ترکیب شده است ولی انگلیسی زبانان کلمه «بسکت بالیست» را به مفهوم بازی کفنده بسکت بال بکار نمی‌برند و اصولاً چنین کلمه‌ای در زبان انگلیسی وجود ندارد و بجای آن اصطلاح «بسکت بال پلییر» Player که ترجمه تحت اللفظی آن بازی کننده بسکت بال است استعمال میشود. واژه «بسک بالیست» فقط در ایران مصطلح گردیده و ظاهراً از ساخته‌های مفسرین و مجریان برنامه‌های ورزشی تلویزیون ملی ایران است. این بود نمونه‌هایی چند از واژه‌های خارجی که به غلط و یا با تحریف در

زبان فارسی راه یافته‌اند البته نمونه‌های فراوان دیگری از این گونه‌واژه‌ها وجود دارند که برای احترام از طول کلام از ذکر آنها خوداری میشود. از آنچه گفته شد نباید نتیجه گرفت که اگر واژه‌های خارجی بطور صحیح در زبان فارسی استعمال شوند خطری متوجه این زبان نخواهد گردید. لغات بیگانه بهر صورتیکه در زبان فارسی بکار برده شوند با صالت این زبان لطمه می‌زنند. منتهی قصد ما از ذکر نمونه‌هایی از اشتباهاتی که در بکار بردن این لغات رخ میدهد خاطر نشان ساختن این موضوع است که کسانی که بمنظور خود نمایی و فضل فروشی در نوشته‌ها و گفتارهای خود لغات خارجی را بقلط استعمال میکنند نتیجه معکوس میگیرند یعنی برخلاف انتظارشان مردم نه تنها آنها را افراد متخصص و مطلعی بشمار نمی‌آورند بلکه به کم‌مایگی و بیسوادی آنها پی می‌برند آیا بهتر نیست که اینگونه افراد بجای اینکه با استعمال غلط واژه‌های بیگانه در زبان فارسی بیسوادی خود را به ثبوت برسانند سعی کنند برای لغات خارجی برابره‌های فارسی بیابند. ولی این نکته را هم نباید ناگفته گذاشته که یافتن معادل‌های فارسی حتی برای ساده‌ترین لغات خارجی کار آسانی نیست و کسی که باین کار دست میزند باید دارای ذوق و قریحه کافی باشد. اگر واژه‌های بیگانه بوسیله افراد ناشی ترجمه شوند بیم آن میرود که اصطلاحات عجیب و غریب در زبان فارسی راه یابند که خطر آنها برای اصالت زبان کمتر از استعمال لغات بیگانه نخواهد بود.

یکی از نمونه‌های این گونه اصطلاحات عجیب کلمه «مقامات» است اغلب در جرائد عباراتی نظیر این جمله میخوانیم: «یکی از مقامات فلان کشور تیرباران گردید». در این عبارت کلمه مقامات به معنی صاحب مقام بکار برده شده است و ظاهراً از واژه خارجی «اوتوریت» (Autorité) ترجمه شده است. در زبانهای انگلیسی و فرانسه کلمه «اوتوریت» معانی متعددی دارد که یکی از آنها قدرت، اختیار و امثال آن است و چنانچه این کلمه بصورت جمع استعمال شود معنی صاحبان قدرت و اختیار را میدهد بعلاوه لغت «اوتوریت» در مورد شخصی که در رشته خاصی متبحر و صاحب نظر باشد بکار برده میشود. مثلاً میگویند فلانکس در علم اقتصاد یک «اوتوریت» است ولی

در زبان فارسی اطلاق کلمه مقام به شخص صحیح نیست و عباراتی نظیر «به قتل رساندن و یا زندانی کردن فلان مقام» نه تنها غلط بلکه مضحک است. آخر چگونه میتوان مقامی را بقتل رسانید و یا زندانی کرد. آیا نمیتوان در این مورد اصطلاحاتی از قبیل صاحب مقام - صاحب منصب مأمور عالی رتبه و امثال آن را بکار برد و فی المثل گفت یکی از مأمورین عالی رتبه فلان کشور بقتل رسید؟

کلمه دیگری که از زبان خارجی ترجمه شده واژه دیدار است است که اخیراً در مسابقه‌های ورزشی بکار برده میشود. گاهی از رادیو و تلویزیون عباراتی نظیر این جمله شنیده میشود:

«محمد علی کلی بو کسر معروف در فلان روز با فریزیر دیدار خواهد داشت.»
شونده این خبر در وهله اول تصور میکند که قرار است این دو مشت زن بایکدیگر ملاقات دوستانه داشته باشند ولی وقتی بقیه خبر را میشوند متوجه اشتباه خود میگردد و پی میبرد که در این خبر منظور از دیدار بهیچوجه ملاقات دوستانه نیست بلکه انجام یک مسابقه مهت زنی است، مسابقه ای که طی آن دو حریف نیرومند با مشت‌های محکم بیجان هم میافتند و احیاناً یکدیگر را مجروح و باصطلاح لت و پار میکنند. حال معلوم نیست بچه علت یک چنین مسابقه خشن و وحشتناکی را «دیدار» میخوانند ظاهراً در این مورد هم مفسر ورزشی در ترجمه لغت خارجی دچار اشتباه گردیده است چنین بنظر میرسد که لغت دیدار از کلمه «میتینگ» مشتق از مصدر «تومیت» (To meet) ترجمه شده باشد. کلمه «میت» در انگلیسی معانی متعددی دارد که یکی از آنها ملاقات و دیدار دوستانه و دیگری برخورد، مواجه شدن و امثال آنها است حال مترجم کم مایه معنی ظاهری کلمه «میت» را در نظر گرفته و بدون توجه به معانی دیگر آن این کلمه را دیدار ترجمه نموده و آن را به مسابقات خشن و خطرناکی از قبیل فوتبال و مشت زنی که گاهی به مجروح شدن مسابقه دهندگان منجر میشوند اطلاق کرده است.

عدم دقت در ترجمه لغات بیگانه بفارسی که چند نمونه از آن ذکر گردید خود بحث مفصلی است که احتیاج بنوشتن مقاله جداگانه ای دارد.